ب) استدلال به دلیل شرعی «اتموا الصیام»؛ دلیل بر امضای ارتکاز عرف مبنی بر دخول شهر به صرف رؤیت

حال به بعد از زوال برویم. چیزی که ما اینجا داریم و اساساً اینکه ایشان میفرمایند عرف و شرع آن را امضاء کردهاند، شاهدی است بر اینکه شاهد اول ایشان هم خلافش است، این است: در نقل شیعه و سنی هست که متعدد شده که هلال را در روز ببینند؛ قبل از زوال یا بعد از زوال. این محقق شده و سالها هم شده. نکته این است: عدهای بودند که با تمسک به اطلاق «صوموا لرویته و افطروا لرویته»، تا هلال شوال را ندیدند خوردند. «افطروا لرویته»؛ خُب هلال را ندیدیم، هلال شوال است. میخواهیم شوال را هم روزه باشیم؟! جواب این اطلاق چه بود؟ استدلال بود. نه عرف مستقر. ایشان میگویند عرف مستقر است. مستقر روی مبنای ایشان یعنی چه؟ یعنی اگر ما ساعت دو بعد از ظهر، هلال ماه مبارک را ندیدیم، ایشان میفرمایند عرف میگوید هنوز که دو بعد از ظهر است، نزد من عرف تا غروب قطعاً ماه شعبان است. تمام شد. چون نزد عرف شروع ماه از غروب است. پس خود عرف اگر ساعت دو ببیند، میگویند دیده باشیم، نزد ما، تا غروب سیام شعبان است.

خُب اگر نزد عرف ماه شعبان است، استدلال به آیه «اتمّوا الصیام»[1] نیازی نبود. میگفتند ماه شعبان است و نباید روزه بگیری. آن طرفش، در ماه مبارک است. بعد از زوال روز سیام ماه مبارک، هلال را ندیدی، خُب تا غروب نزد عرف واقعاً ماه مبارک است. چرا؟ چون میفرمایی عرف میگوید شروع ماه از غروب است. خُب وقتی نزد عرف شروع ماه از غروب است، از دو بعد از ظهر تا غروب واقعاً نزد عرف ماه مبارک است. استدلال که نمیخواهد. و حال اینکه ندیدی وقتی عدهای خوردند با اینکه عرف بودند به اطلاق تمسک کردند. یعنی از دو بعد از ظهر به بعد حساب شوال باز کردند. طبق مالک حدیث این زید این کار را کردند که «اذا رأوا الهلال قالوا قد دخل الشهر»؛ دو بعد از ظهر هلال را ندیدند، گفتند «قد دخل الشهر»؛ خُب بخوری دیگر! «افطروا برویته».

گفتند نه، اینجا استثناء است. اگر ماه مبارک بود میدانیم که باید در ماه مبارک روزه باشیم. اما اگر اینجا یک دلیل داریم که میگوید اگر بخشی از روز را بهعنوان ماه مبارک روزه گرفتید، قرآن میفرماید حال که روزه ماه مبارک را شروع کردید، نباید بین راه افطار کنید. استدلال به آیه برای لزوم اتمام.

این نکته خیلی مهم است. یعنی اگر عرفی بود که نیازی به استدلال نبود. میگفتند شما مگر اهل عرف نیستید؟! اگر ساعت دو ندیدهاید، خُب ندیده باشید؛ بالدقه تا غروب،نزد شما که عرف

هستید، از شهر مبارک است. ماه مبارک را هم باید روزه باشید. قرآن نباید به شما چیزی بگوید. مقصودم را رساندم؟!

شاگرد: طبق فرمایش خود شما دیگر استثناء از عرف نیست. یعنی تفاوت در احکام است. «اتموا الصیام» بهخاطر حکم صوم است که در روز است، و الا «قد دخل الشهر» میگوید که شهر واقعا داخل شده است. مانند این مثال که عید نوروز ساعت یک شب باشد. یعنی «قد دخل الشهر» حکمی ثابت است که فرقی ندارد قبل یا بعد از زوال باشد. بله بهخاطر بدایهٔ الحساب و احکامی که برای صوم است میگویند «اتموا الصیام اللیل»، نه اینکه شهر داخل نشده است.

استاد: من هم همین را میگویم.

شاگرد: عرض من این است که باید جهات تفکیک شود. ظاهر فرمایش شما این بود که اینجا استثناء از فهم عرف نسبت به دخول شهر است. خُب یک بحث دخول شهر داریم، یک بحث بدایهٔ الحساب داریم، یک بحث وجوب صوم داریم که مصبّهر کدام متفاوت است. آن چیزی که نسبت به فهم عرف میفرمودید بحث دخول شهر است، این چیزی که الآن میفرمایید به استدلال نیاز دارد بحث احکام صوم است، نه دخول شهر.

استاد: من میگویم نیاز به استدلال دارد، اما میخواهم مطلب دیگری را عرض کنم. ایشان میفرمایند اینکه ابتدای شهر از غروب است، امر عرفیای است که شرع هم امضاء کرده است. من میخواهم این عرفیت را نقض کنم و بگویم عرفیت با غلبه زدن عرف است. حتی خود مالکی که حضرت فرمودند، زدن عرف هم آن مالک، میزان است، نه غلبه. و لذا چون به «اتموا» استدلال کردهاند استدلال کاشف از این است که حتی زدن خود عرف عام، دخول شهر به غروب نیست. میخواهم نفی عرفیت بکنم. نه اینکه حکم را بار کنم. فرمایشاتی که شما می فرمایید جای خودش است. من میخواهم نفی عرفیت کنم. ایشان میگویند عرف این است، اما من میخواهم بگویم عرف به این صورت نیست که دخول شهر به غروب باشد.

عرف به این صورت است که به رؤیت دخول میشود ولو غلبه با شب است. پس انس بهخاطر غلبه دخول شهر در شب، با شب است، اما باز مالک ارتکازی عرف این نیست. چرا نیست؟ بهخاطر اینکه وقتی روزه را خوردند به آنها نگفتند خودتان که میدانستید تا غروب ماه باقی است! یعنی آن ارتکاز را ردع نکردند. گفتند آیه قرآن میگوید «اتموا الصیام الی اللیل». استدلال بهدلیل شرعی، کاشف از این بود که ارتکاز عرفی آنها را که بر خلاف این عرفی است که ایشان میفرمایند، امضاء کردند. مقصود من این است.

بنابراین بعد از زوال به این صورت شد: آیه قرآن میفرماید وقتی روزه گرفتید...؛ و لذا هم دارد که در قبل از زوال، ادله تعارض کردهاند و تخییر جاری کردند. یک روایت میگوید ولو قبل از زوال دیدی روزه را تمام کنید. چرا؟ چون از طلوع فجر تا ساعت هشت صبح، شما بهعنوان ماه مبارک روزه گرفتید و لحظات ماه مبارک هنوز بوده، چون هنوز قمر از تحتالشعاع خارج نشده بود و رؤیت نشده بود. حال که بهعنوان ماه مبارک واقعی روزه شروع شد، قرآن میفرماید «اتموا»؛ یعنی این را تمام کنید. لذا به آیه استدلال میشود.

عدهای گفتهاند که این برای بعد از زوال است. اجماع برای بعد از زوال است، و قبل از زوال تخییر است. مشهور بین شیعه هم که معلوم است. آنها میگویند رؤیت قبل از زوال فایدهای ندارد و به روایت عمل نکردهاند. منسوب به سید مرتضی بود که عمل کرده بودند و آن نسبت هم برای ما صاف نشد.

البقره ۱۸۷ [1]

بازبینی #1
ایجاد شده 4 مه 2026 11:44:57 توسط ... .
به روزرسانی شده 4 مه 2026 11:45:29 توسط ... .